عبدالستار دوشوکی
مرکز مطالعات بلوچستان

۲۰۱۹/۰۶/۰۱

آیا توهین به اهل سنت بخشی از باورهای مذهب شیعه است؟

داماد خواهر احمدی نژاد در مدح و ذم باز حادثه آفرید. فحاشی و توهین به همسر پیامبر اسلام (بر خلاف نصح صریح قرآن که زنان پیامبر را مادران مومنین (ام المومنین) می خواند) و سه خلیفه بعد از او توسط داماد خانواده احمدی نژاد در شبکه پنج صدا و سیمای جمهوری اسلامی, آنهم در "ام القرای جهان اسلام" اتفاق تازه و یا نابهنجاری و انحراف غیر عادی نیست. کلیپ های ویدئویی فراوانی از برنامه های صدا و سیما و یا مراسم مذهبی در نقاط مختلف ایران وجود دارد که در آنها فحاشی های مشابه ای صورت گرفته. توهین های افرادی نظیر شایان مصلح (فوتبالیست تیم پرسپولیس و مداح مراسم مذهبی), حجت الاسلام مهدی دانشمند, مهران مدیری در برنامه دورهمی فقط نمونه های شناخته شده ای هستند. در برخی از مراسم مذهبی, که ویدئوهای آنها در اینترنت موجود است, مداحان فحش های بسیار رکیک به همسر پیامبر خود نثار می کنند, و با افتخار آن را عین دیانت و محبت به پیامبر و اهل بیت او می دانند. نگارنده در برنامه تلویزیونی هفتگی خویش شب سه شنبه (۲۸ می یا ۷ خرداد) بنام "ایران – رنگین کمان پنهان" ساعت هشت و نیم شب به وقت ایران در تلویزیون اندیشه به تفصیل به این مقوله می پردازم.

همانگونه که برخی از گروه های زشتخوی درشتگو, متعصب, جاهل و جاعل (جعل کننده و آورنده بدعت) نظیر داعش در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بین اهل سنت, تکفیر و توهین به مسلمانان شیعه را بخشی از باورهای اعتقادی خود می دانند و از ره خیره سری و جهالت شیعیان را رافضی و کافر می دانند, در آنسوی سکه بیخردی شیعیان غالی (غلوکننده) مدح اهل بیت و ذم دشمنان اهل بیت (به باور غلط و گمراه آنها) را دو سوی سکه ایمان می دانند که بعد از گذر قرون هنوز از رواج نیفتاده است. در ذهن مشوش آنها قدیس و ابلیس دو روی جدایی ناپذیر سکه مدح و ذم هستند. آنها همانند تکفیریون جاهل سنی مذهب با نگاهی بدعت محور و باطل و با استناد به آیات قرآنی در مورد لعن دشمنان خدا و رسول, نظیر آیه ۵۷ سوریه احزاب که می گوید: " إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِيناً"؛ به نادرستی لعن را مکمل مدح و تمجید می خوانند. در کتاب "میزان الإعتدال" آمده است که اگر ما بعد از نماز از اعداء آل محمد تبری نکنیم و آن‌ها را لعن نکنیم، معلوم نیست این نماز قبول باشد یا نباشد.

ثقة الاسلام کلینی در کتاب "کافی" نیز در مورد ضرورت لعن به اصطلاح "دشمنان اهل بیت" روایات فراوانی آورده است. دشمنی با سه خلیفه و مخصوصا خلیفه سوم, جایگاه ویژه ای در ادبیات و آئین شیعه دارد. به همین دلیل "مراسم عُمرکُشان" در تقویم برخی از شیعیان غالی بعنوان "عید الزهرا" یا "فَرحَة الزهراء" و جشن غدیر دوم محسوب می شود. علامه مجلسی در این رابطه در کتاب بحارالانوار جلد ۳۱ صفحه ۱۳۲ می‌نویسد: «بین شیعیان در زمان ما مشهور است که به قتل او در روز نهم ربیع‌الاول می‌باشد؛ و آن روز یکی از اعیاد است. البته باید اذعان کرد که در سالهای اخیر مراسم علنی عُمرکُشان در ایران ممنوع شده است. در گذشته قبر ابولؤلؤ (قاتل خلیفه دوم عمر) در کاشان یکی از امکان برگزاری این مراسم بود.

و اما چرا هتاکی مداح احد قدمی (داماد خواهر احمدی نژاد) در شبکه پنج که بر طبق اعتراف خودش در این ویدئو تحصیلات حوزوی داشته و در سپاه و حوزه های حراست فعالیت داشته و عاشق "موتور سنگین" است, این همه جنجال بپا کرد؟ ظاهرا قبح هتاکی های ایشان که رضا شاه و آتاتورک را هم لعن می کند, بیشتر از بقیه نیست. اما از نظر مصلحت نظام ایشان زمان و مکان نامناسبی را برای "ذم" ی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

که حداقل از زمان شاه اسماعیل صفوی در ایران عادی بوده, انتخاب کردند؛ که در شرایط به اصطلاح جنگی امروز که بخشی از جهان اهل سنت در کنار آمریکا قرار دارد, و وحدت شیعه و سنی (یا حداقل سکوت همراه گونه) میلیونها سنی ایرانی با حاکمیت در این شرایط حساس از اوجب واجبات است. دوم اینکه ایشان از طایفه احمدی نژادی ها است که فعلا مغضوب هستند. سوم اینکه این حادثه علنی شد و باعث اعتراض گسترده اهل سنت شده است که ممکن است به یک معضل امنیتی تبدیل شود. یا وگرنه جمهوری اسلامی دلش برای سنی ها نسوخته, تا بدانجا که نه حق مشارکت در مدیریت کلان کشوری و لشکری را دارند و نه حتی حق داشتن مسجد در تهران و شهرهای بزرگ ایران را دارند. در نتیجه همه این تعارفات صوری و ظاهرسازی ها و حتی "تقیه ها" در راستای مصلحت نظام است. زیرا این ادعای وحدت و برادری و برابری نه در اندیشه باورمندانه است و نه در عمل صادقانه.

در پایان باید گفت تا زمانی که جنبش بنیادین رفورماسیون یا اصلاح و بازسازی باورهای غلط به ارث رسیده از دوران سیاه قرون وسطاء (آنگونه که در مسیحیت اتفاق افتاد) در هر دو مذهب اصلی اسلام, یعنی شیعه و سنی, صورت نگیرد؛ و نگاه ها بصورت اساسی و ریشه ای در راستای انسانگرایی و احترام باورمندانه متقابل متحول نشود, وجود این گسل عقیدتی بین شیعه و سنی همواره منشاء زلزله های اتفاقی یا هدفمند خواهد بود. اهل تسنن باید با اراده قوی تری, تکفیری های ستیزه جو و پرخاشگر را از خود طرد کنند و بدانند همانگونه که امامت جزو اصول دین نیست, خلافت نیز جزو اصول دین نیست که اگر کسی آن را نپذیرفت, از دین خارج شده است. هموطنان محترم شیعه نیز باید بپذیرند که توهین و فحاشی به علیه همسر پیامبر دین خویش و جانشینان بعد از او, یک اندیشه کاملا اشتباه و نابخردانه ای است که شاه اسماعیل صفوی, برای مقابله با اعراب و امپراطوری عثمانی, با غلبه بیرحمانه توانست آن را به اکثریت مردم ایران که تا آن زمان سنی مذهب بودند, قالب کند.

شوربختانه در طی یک قرن اخیر اسلام شیعه و سنی هر دو, بجای ورود به عصر روشنگری و مدرنیته, با جمود و خمود اندیشه تحت عناوین جذاب و فریبنده نظیر "بازگشت به خویشتن" امثال آل احمد و شریعتی از یکسو, و بازگشت به

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

سلف صالح و صدر اسلام (سلفی گری) امثال سید قطب و محمد بن عبدالوهاب و محمد عبده و جمال الدین اسدآبادی و همچنین حمایت مالی گسترده کشورهای عربی از مدارس و تفکر بنیادگرایانه بریلوی و بخصوص دیوبندی در شبه قاره هند که بر روی سنی های افغانستان و جنوب و شرق ایران نیز عمیقا تاثیرگزار هستند و مخربانه باعث رشد بنیادگرایی و سلفی گری شده اند. در ایران نیز مولفه تساهل و تسامح که توسط برخی از اصلاح طلبان و نواندیشان دینی در راستای "دین پیرایی" و در مقیاسی سطحی و نه ریشه ای و به شیوه نوعی لطف و بزرگواری در حق دیگران ترویج و تبلیغ می شود, تا به امروز ره بجایی نبرده است. تساهل و تسامح بر بنیاد بخشش, صبوری و تحمل (tolerance) عقاید دیگران بنا شده است و نه بر اساس پذیرش (acceptance) حق مساوی دیگران از منظر باورمندی. منش و تغییرات فکری باید پایه ای و اساسی باشد و نه نوعی خیرات ء خیرخواهانه گشاده دستان مذهبی سخاوتمند. زمان آن فرارسیده است که با چشمانی باز باورهای کهنه را باید شست, جور دیگری باید دید.

عبدالستار دوشوکی
مرکز مطالعات بلوچستان
خرداد ۱۳۹۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ